



هاستل و خانه فرهنگی کوژین

. آتلیه سیگما (نیما تبریزی، اردلان طایفه حسینلو) .

نویسندگان: لیلا خدابخش . محمدرضا کارفر

موقعیت: تهران، خیابان کریم‌خان زند، خیابان خردمند جنوبی، بن‌بست وحدتی‌منش
کارفرما: نوید یوسفیان

کابری قبلی: لوکیشین فیلم‌پرداری، تولیدی پوشاک، مسکونی

مساحت سایت: ۳۰۰ مترمربع

دوره طراحی و اجرا: آبان تا دی ۱۳۹۵

مشارکت‌کنندگان در روند تکمیل طرح: اعضای تیم کوژین See You in Iran

کابری فعلی: هاستل، کافه

مساحت زیربنا: ۳۲۰ مترمربع

عکاس: اردلان طایفه حسینلو

بازگشت به خانه با جهانی در جیب

معرفی هاستل و خانه فرهنگی کوژین (See You in Iran Hostel and Cultural House) در یک مجله معماری و بحث پیرامون ویژگی‌های طراحانه و کالبدی آن شاید کمی گمراه‌کننده به‌نظر برسد. بااین‌حال اگر بدانیم حیات دوباره این ساختمانِ میان‌سال در بن‌بستی آرام در «خردمند جنوبی» در واقع امتداد فیزیکی و البته زاده یک فضای مجازی پرتعامل است که چند سالی زودتر از «کوژین» در کار ساخت و بازساخت محتوای موردنظر خود بوده است، بسیار آموزنده و الهام‌بخش خواهد بود. از این رو بازخوانی ماجرای «آن» فضای مجازی و چگونگی تجسد یافتنش در کالبد «این» ساختمان ازپیش‌موجود می‌بایست بخشی از معرفی این بنا باشد. جز این، کوژین صرفاً به یک پروژه احیا و تغییر کاربری — همانند صدها پروژه‌ای که هر سال در شهر رخ می‌دهد — تقلیل می‌یابد و ویژگی اصلی آن که پل زدن میان دوگانه فضای مجازی ـ فضای حقیقی است، مورد غفلت قرار می‌گیرد.

بالا: ۴۴۴۴

روبرو: ۴۴۴۴

پایین: ۴۴۴۴



پلتفرم آنلاین SYI (See You in Iran) که در سال ۲۰۱۵ شروع به فعالیت کرد، درواقع بستری اجتماعی و فرهنگی برای سفر است که با ایده ساخت ارتباطات تازه میان ایرانیان و غیرایرانیان و همچنین تقویت درکی منحصربه‌فرد و متمایز از ایران در شبکه اجتماعی فیس‌بوک شکل گرفت. ویژگی‌های این شبکه اجتماعی امکاناتی در اختیار گروه SYI می‌گذاشت که دقیقاً منطبق با انگیزه‌های اصلی آن بود: اجتناب از فرارروایت‌های تحمیلی در مورد «ایران». درواقع SYI قصد داشت با ایجاد ارتباطات خلاق، ملموس و شخصی میان افراد، در مسیر شکستن چارچوب‌های گفتگمانی غیرمنعطفی گام بردارد که ذیل ایده موسوم به «ایران‌هراسی» شکل گرفته‌است. این گفتمان که توسط بنگاه‌های رسانه‌ای و نخبگان سیاسی در شبکه قدرت جهانی تقویت می‌شود، ساختارهای صلب و غیرقابل‌عدولی برای شناخت و درک مفهوم «ایران» ایجاد کرده‌است.

در راستای تحقق این هدف اعضای گروه فیس‌بوک SYI تشویق می‌شوند که با انتشار و اشتراک خاطرات، دریافت‌ها و تجربیاتشان از سفر به ایران راوی روایت‌هایی موازی و جایگزین از ایران و تعامل با جامعه ایرانی باشند که به‌ندرت در رسانه‌های رسمی فرصت ابراز می‌یابد. به این ترتیب SYI به‌مرور تبدیل به پلتفرمی پایین‌به‌بالا برای تغییر روابط موجود شد که در مقیاس خود «ضداطلاعات» تولید می‌کرد تا با تصورات غلط، واقعیت‌های تحریف‌شده و درگیری‌های وسواس‌گونه‌ای به تقابل بپردازد که حاصل نگاه‌های یک‌جانبه بالا‌به‌پایین «اخبار» به ایران بود؛ ابزاری برای روایت داستان روزمره مردمانی که چند دهه است زیر سایه سنگین تحلیل‌های خبری در انزوا زندگی می‌کنند.

بالین‌حال و علی‌رغم این واقعیت که فضای شبکه‌های اجتماعی بهترین امکان را برای ارتباطات افقی و رای مرزهای جغرافیایی فراهم می‌کند، عرصه و عمق اثربخشی فعالیت‌های مجازی کماکان محدود و مورد تردید است، به‌ویژه زمانی که صحبت از تجربه و درک بی‌واسطه یک جغرافیای فرهنگی در میان باشد که عمیقاً با مفهوم کلاسیک «فضا» به معنای برهم‌کنش «مختصات مکانی» و «تعاملات انسانی» گره خورده‌است. ایده تأسیس یک هاستل و خانه فرهنگی در تهران گامی در راستای از میان برداشتن این محدودیت و واقعی‌کردن روابط و تعاملات میان‌فرهنگی بود. «کوژین» به معنای «هم‌زیستی» در واقع بازتولید «واقعی» جریان «مجازی» SYI شد که بنا بود تسهیلگر سبکی از زندگی اجتماعی مبتنی بر تعامل باشد، با این تفاوت که به‌واسطه ضمیمه شدن قدرت فضای کالبدی می‌توانست این تعاملات را به سطحی بالاتر یعنی به ارتباط مستقیم چهره‌به‌چهره ارتقا دهد. خروجی مورد انتظار این تلاش را شاید بتوان گشایش فضاهایی جدید برای خلق، تعامل و سازماندهی در ایران و البته ایجاد «واقعیت‌های جدید» درباره آن دانست.





«کوژین» بستری برای با هم زیستن

تحقق اهداف، انگیزه‌ها و ایده‌هایی که اعضای SYI داشتند، از همان ابتدا فرایند طراحی «کوژین» را با چند چالش عمده مواجه می‌کرد؛ اساساً بهتر است بگوییم بازسازی این ساختمان و تغییر کاربری آن به یک هاستل چیزی جز یافتن پاسخی متناسب برای این چالش‌ها از طریق هم‌فکری جمعی نبود. اولین چالش به تضاد ساختار اجتماعی ـ فرهنگی SYI و محدودیت‌هایی بازمی‌گشت که شرایط واقعی ساخت‌وساز به یک پروژه تحمیل می‌کند. الگوی شکل‌گیری و فعالیت SYI معرف ساختاری افقی و دموکراتیک بود، اما محدودیت‌های زمانی، مالی و فنی نه تنها این امکان را فراهم نمی‌کرد که پروژه «کوژین» در چارچوب این ساختار پیگیری شود، بلکه روندی متمرکز و ازپیش‌تعیین‌شده به طراحی تحمیل می‌کرد. در حقیقت اگرچه منطق این پروژه که به‌صورت مشارکتی اداره می‌شد، اساساً با منطق «معمار به‌عنوان تصمیم‌گیر نهایی» در تضاد بود اما نهایتاً این معماران پروژه بودند که در مدت زمانی دو ماهه ساختار کلی این خانه را آماده پذیرش مهمانان کردند. در این روند اتاق‌های اقامت، فضاهای عمومی اعم از کافه و اتاق‌های نشیمن و همین‌طور انواع مبلمان برای فضاهای کارکردی طراحی و اجرا شد. به این ترتیب نسخه اولیه «کوژین» از دل یک فرایند زمانی فشرده که مستلزم کار منظم و قاعده‌مند بود، زاده شد و به بهره‌برداری رسید، اما آن‌چنان که انتظار می‌رفت هرگز در آن متوقف نماند.

تنها بعد از افتتاح کوژین و شروع رفت‌وآمد افراد به آن بود که اصلی‌ترین مسئله این پروژه خود را نشان داد: چطور می‌توان تعاملات و روابط پویای صفحه فیس‌بوک را در کالبد تنگ و محدود یک ساختمان جای داد؟ آن هم ساختمانی که اساساً به منظور دیگری ساخته شده، دوره حیات پرشورش را پشت سر گذاشته، سال‌ها رها شده و خاک خورده و هر ازگاهی به سلیقه کاربری جدید تغییر شکل یافته‌است. تعامل با در و دیوار این ساختمان و کنار آمدن با طول و عرض فیزیکی آن برای کاربران جدیدی که با ایده‌هایی سیال ازجنس فضای مجازی به سراغ آن آمده بودند واقعیتی جدید بود که اساساً جز از طریق آزمون و خطا امکان حل و فصل نداشت.

فضای هاستل کوژین به تبعیت از فضای مجازی گروه نهایتاً باید جریان‌پذیر، تغییرپذیر و منعطف از آب در می‌آمد، بنابراین لازم بود به جای تمرکز بر نتایج، بر فرایندها تمرکز شود؛ فرایندهایی که امکان شناخت نیازهای در حال دگرگونی فضا و متعاقب آن اعمال تغییرات برای انطباق با نیازهای جدید را تسهیل کند تا از آن طریق تصویر بازنمایی‌شده از پروژه نه به عنوان یک اثر معماری صلب که به عنوان یک پروژه اجتماعی در حال تکامل مورد خوانش قرار گیرد. این فرایندها در همین مدت نه‌چندان طولانی که از عمر پروژه می‌گذرد در قالب پرسش‌های عملکردی مشخصی به آزمون گذاشته شده‌اند. پاسخ‌های معمارانه به این سؤالات ممکن است در نگاه اول ساده به نظر برسند اما هر کدام تا حد زیادی ادبیات فضایی پروژه را در راستای دستیابی به معیارها و اصول اولیه کار دگرگون کرده‌اند.

بازخوانی یک فرایند از خلال دو تجربه

«کوژین» برای این‌که تبدیل به بستری واقعی برای تعامل ایرانیان و غیرایرانیان شود و نهایتاً محملی برای تبادل فرهنگی بسازد، شدیداً نیازمند پیوند با عموم بود. فضای کافه در این مجموعه بنا بود



۵۵

روبرو/چپ: ۴۴۴

روبرو/پایین: ۴۴۴

پایین: ۴۴۴

چپ: ۴۴۴

ترجمان معمارانه «پیوند با عموم» باشد، به این ترتیب که در ورودی مجموعه برای استفاده عمومی از کافه باز باشد. به مرور اما مشخص شد که قابل‌دسترس کردن فضا لزوماً منجر به عمومی و البته تعاملی شدن آن نخواهد شد. باز بودن فضا بیش از آن‌که از کافه محلی برای مکث و دیالوگ بسازد، آن را تبدیل به محل گذر افرادی کرده بود که هر یک جهان شخصی خود را به درون «خانه» حمل می‌کردند، بی‌آن‌که امکان اشتراک‌گذاری افکار و ایده‌هایشان با دیگری را بیابند. این وضعیت این پرسش را به میان آورد که آیا گشوده بودن فضا به روی عموم — و نه فقط مسافران — کمکی واقعی به ساخت و گسترش کیفی شبکه اجتماعی مدنظر کوژین می‌کند؟ پاسخ‌هایی که به این پرسش داده شد، روی‌هم‌رفته ایده‌ای را شکل داد که می‌توان آن را دگردیسی «کافه ـ هاستل کوژین» به «هاستل رویدادمحور کوژین» تعبیر کرد.

ایده یک هاستل رویدادمحور این بود که دسترسی عموم به کافه محدود شود اما در مقابل برپایی مستمر رویدادهای فرهنگی ماهیت عمومی مجموعه را به دور از تشتت و پراکندگی حفظ و تقویت کند. درواقع رویدادها ابزارهایی مناسب‌تر برای اهداف اولیه کوژین شناخته شدند، چرا که این امکان را فراهم می‌کردند که جمع‌های عمومی در فضایی منسجم‌تر شکل بگیرند، حول موضوعاتی مشخص‌تر به تبادل نظر بپردازند و احیاناً پروژه‌های مشترک فکری و کاری تعریف کنند. این تغییر الگو نه‌تنها ادبیات بازاریابی کوژین را بلکه فضای کالبدی آن را نیز دگرگون کرد؛ ضمن این‌که محتوا و جنس مخاطبان این رویدادها نیز حدی از انعطاف‌پذیری فضایی را برای مجموعه ضروری می‌ساخت فرایند اندیشیدن به عناصر معماری برای انطباق هر چه بیشتر فضا با معیارهای مدنظر پروژه در مورد اتاق نشیمن مجموعه در طبقه دوم نیز تکرار شد. این اتاق که جدای از فضای کافه و نشیمن همکف، قرار بود فضایی عمومی در طبقات فراهم کند، به مرور تبدیل به فضایی منزوی شده بود که تنها مسافران —غیرایرانیان— را فرامی‌خواند و می‌پذیرفت. در مجموعه‌ای که مبنای شکل‌گیری‌اش تسهیل، تشویق و تقویت تعامل میان افراد است، فضا نباید این‌چنین باعث دسته‌بندی افراد و مانع «دیدار» آنها می‌شد. اندیشیدن به این ضعف و روند رفع آن در تعامل و مشورت با مسافران نهایتاً به حذف اتاق عمومی طبقه دوم که فضایی تک‌افتاده و بی‌آدرس در کل مجموعه بود و هم‌چنین اصلاح و اجرای دوباره چیدمان و نوع مبلمان مورد استفاده در نشیمن همکف منجر شد. ماحصل این فرایند تقویت روح عمومی اتاق نشیمن در طبقه همکف بود که به مرور به حیاط مجموعه نیز سرریز کرد و مجموعه‌ای از خردفضاهای متنوع جمعی برای هم‌نشینی و گفتگو ساخت. بازخوانی این دو تجربه از تغییر فضا در کوژین، از این منظر اهمیت می‌یابد که معرف فرایند مستمر جاری در فضای اجتماعی این هاستل است. امروز رد این فرایندها بر کالبد این ساختمان که حالا دیگر نمی‌توان فرسوده خطایش کرد، کاملاً عیان است و به همین دلیل است که می‌توان «کوژین» را نمونه خوبی دانست از تفوق فرایندهای نرم ایده‌پردازی بر چارچوب‌های سخت فیزیکی؛ کولاژی ارگانیک از هم‌نشینی سلاقی مختلف که تنها در یک چیز با هم مشترکند: انعطاف و گشایش به روی تغییر. برای کوژین که می‌خواست «خانه» باشد، آمادگی پذیرش خاطرات فضامند افراد، اصلی اساسی است؛ این‌که افراد خود بتوانند بخشی از روند تعریف مکان و بخشی از خاطره جمعی آن باشند که تغییر می‌کند اما محو نمی‌شود.

